

حمید بعیدی نژاد*

ابعاد مهم سیاسی و حقوقی رأی مشورتی بین المللی دادگستری درباره غیرقانونی بودن ساخت دیوار در سرزمینهای اشغالی فلسطین توسط اسرائیل

چکیده

ساخت یک دیوار طولانی در طول سرزمینهای اشغالی، یکی از مهمترین رویدادهایی است که در منطقه به وقوع پیوست و از ابعاد سیاسی و حقوقی بین المللی برخوردار می باشد. ساخت این دیوار که اساساً از همان آغاز با واکنش جدی جامعه بین المللی روبه رو گردید، تمامی مناطق حساس و مهم امنیتی را تحت پوشش قرار داده و به ادعای اسرائیل مانع از نفوذ مبارزان و فعالان فلسطین به منظور انجام عملیات انتحاری و یا چریکی علیه اسرائیل می شود. جهت گیری اصلی در نوشتار پیش روی، پرداختن به ابعاد حقوقی ساخت دیوار و توجه سازمان ملل، سازمانهای بین المللی و دولت‌های جهان به این موضوع است. درحقیقت، تلاش این نوشتار، ارزیابی صلاحیت مجمع عمومی در تصویب درخواست رأی مشورتی و روشن نمودن جنبه های حقوقی این درخواست می باشد. همچنین بررسی دلایل دیوان در ضرورت ارایه رأی مشورتی، تبعات و پیامدهای حقوقی ساخت دیوار و نقض قوانین بین المللی از سوی اسرائیل در اثر ساخت دیوار، دیگر فزایندهای نوشتار پیش روی است.

کلید واژگان: دیوار حایل، اسرائیل، مجمع عمومی، رأی مشورتی، دیوان بین المللی دادگستری،

ماهیت حقوقی

* کارشناس سیاسی وزارت امور خارجه
فصلنامه مطالعات منطقه ای: اسرائیل شناسی - آمریکاشناسی، سال پنجم و ششم، شماره های ۱ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ص
۱-۲۲.

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

دیباچه

در ماه ژوئن ۲۰۰۳، دولت شارون یکی از حادثه‌ترین تصمیمات دوران حکومت خود را - که به بحران جدی در روابط سیاسی دولتهای جهان با رژیم اسرائیل منجر شد - اتخاذ نمود و آن تصمیم اسرائیل برای ساخت یک دیوار طولانی در طول سرزمینهای اشغالی، به ویژه در طول مرز خود با کرانه باختری و اطراف شهر بیت المقدس بود. این تصمیم از همان آغاز با واکنش جدی جامعه بین‌المللی مواجه گردید، هر چند نتوانست تصمیم دولت اسرائیل را تحت تأثیر قرار دهد و این رژیم بلافاصله اقدامات مربوط به ساخت دیوار را آغاز کرد. براساس طرح اعلام شده دولت اسرائیل، این دیوار - که پس از تکمیل به هفتصد کیلومتر بالغ می‌گردد - تمامی مناطق حساس و امنیتی مهم را تحت پوشش قرار داده، مانع از نفوذ مبارزان و فعالان فلسطین به منظور انجام عملیات انتحاری و یا چریکی علیه اسرائیل می‌شود. بر همین مبنا نیز دولت اسرائیل در برابر واکنشهای شدید کشورهای مختلف جهان و سازمانهای بین‌المللی، با تأکید بر هدف دفاع از خود و شهروندان اسرائیلی از حملات نیروهای فلسطین، ساخت دیوار را گام مؤثری برای حفظ امنیت اسرائیل عنوان می‌کرد. تکیه بر عنصر حفظ امنیت و دفاع از خود، در واقع، استدلالی برای رد اتهامات قاطع علیه اسرائیل بود که ساخت دیوار را نه اقدامی امنیتی، بلکه گامی برای اشغال سرزمینهای بیشتر از فلسطینی‌ها و الحاق آنها به خاک اسرائیل محسوب می‌کردند. نقشه طراحی دیوار و اقدامات بعدی، نه تنها این احتمال را تضعیف نکرد، بلکه تقویت نمود.

ساخت دیوار

مسیر دیوار به گونه‌ای طراحی و به اجرا گذاشته می‌شد که بخشهای زیادی از سرزمینهای اشغالی در سال ۱۹۶۷ را در بر می‌گرفت. ساخت دیوار بدین معنا، نوعی تثبیت این اشغال از طریق جداسازی و انفصال آن بخش از سرزمینهای اصلی فلسطین و الحاق آن به سرزمینهای اسرائیل محسوب می‌گردید.^۱ این دیوارها در واقع از دو بخش عمده تشکیل می‌شوند. بخشی از آن شامل دیوارهای بتونی هشت متری می‌شد که کنار هم قرار می‌گرفتند

و از طریق استقرار محل‌های دید بان‌ی محافظت می‌شدند. همچنین به دلیل نیاز به مرتبط کردن شهرک‌های یهودی‌نشین به سرزمین اصلی و حفاظت از آنان در برابر حملات احتمالی فلسطینی‌ها، این دیوار در موارد بسیاری به داخل سرزمین فلسطین و مرزهای سال ۱۹۶۷ فرو رفته و بدین وسیله زمین‌های زیادی را از فلسطین جدا کرده است. بخش طولانی‌تر این دیوار در نواحی شمال غربی کرانه باختری ساخت شده است که شامل یک پایه بتونی با نصب حصاری نرده‌ای و سیمی به ارتفاع پنج متر است.

۳

در هر دو بخش دیوار، لوله ضخیمی از سیم خاردار در دو طرف دیوار قرار داده شده و خندق‌هایی به عمق چهارمتر در دو طرف آن کنده شده است که امکان نزدیک شدن به دیوار را نیز محدود می‌سازد. همچنین در منطقه نزدیک به دیوار سنسورهای الکترونیک مجهزی نصب شده است که می‌تواند نزدیک شدن و ورود افراد به منطقه حساس را گزارش نموده، حتی جای پای افراد را ثبت و به مبادی ذیربط ارسال نماید. هزینه ساخت این دیوار برای هر کیلومتر دومیلیون دلار است. ساخت دیوار و اختصاص دادن مناطق اطراف دیوار به ترتیبات امنیتی، به همین دلیل بخش قابل توجهی از سرزمین‌های فلسطینی را اشغال کرده است که خود مشکلات عظیمتری را برای مردم منطقه فراهم آورده است. بدین وسیله بخش مهمی از مزارع و زمین‌های کشاورزی فلسطینی‌ها در مناطق ساخت دیوار قرار گرفته و آنها را از زندگی اولیه خود محروم نموده است. ساخت دیوار طولانی در اطراف شهرها و مناطق پر جمعیت باعث شده است که افراد، به اجبار برای ورود و خروج به محل زندگی خود، مسیر بسیار طولانی‌ای را طی کنند تا بتوانند تنها از طریق ایستگاه‌های بازرسی ایجاد شده در طول مسیر دیوار عبور کنند. با ساخت دیوار، عملاً نیمی از منطقه کرانه باختری در انزوای کامل قرار گرفته و از سایر مناطق فلسطینی جدا شده است.^۲ اما یکی از مهمترین مشکلات ایجاد شده برای مردم فلسطین - که به اعتقاد بسیاری از مردم و صاحب نظران از اهداف اولیه طرح ساخت دیوار می‌باشد - کنترل منابع آبی فلسطینی است. بخش عمده‌ای از منابع آب که حتی تا هشتاد درصد هم تخمین زده شده است با ساخت این دیوار، به کنترل اسرائیل درآمده و از سرزمین مادر جدا شده‌اند. با توجه به محدود بودن منابع آب در فلسطین و بحث‌هایی که در

مورد بحران آب در آینده صورت می‌گیرد، این اقدام اسرائیل کاملاً براساس برنامه‌ای از پیش تعیین شده صورت گرفته است.^۳

یکی دیگر از پیامدهای ساخت این دیوار برای مردم فلسطین محدود کردن دسترسی آنها به بیت المقدس و اماکن مذهبی شهر است. با ساخت دیواری که به دور شهر بیت المقدس از جمله بیت المقدس شرقی کشیده شده است، امکان رفت و آمدهای مردم فلسطینی کاملاً محدود شده است. این محدودیتهای رفت و آمد در شرایطی که مردم فلسطین اعمال می‌گردد که اتباع اسرائیلی و یهودی با هیچ‌گونه محدودیت و ممانعت برای دسترسی به مناطق محل زندگانی خود روبه‌رو نیستند، بلکه تسهیلاتی برای آنان در نظر گرفته شده است. در مجموع، فشارهای تحمیلی بر مردم فلسطین فراوان بوده و همین امر، فلسطینی‌ها را علی‌رغم میلشان مجبور به ترک محل زندگی خود و عزیمت به شهرها و روستاهای جدید کرده است که این امر، خطر تغییر اساسی بافت جمعیتی، به ویژه منطقه کرانه باختری را جدی کرده است.^۴ برخلاف آن که اسرائیل همواره هرگونه تلاش برای تصاحب و اشغال سرزمینهای جدید، تغییر بافت جمعیتی، کنترل منابع آب و غیره را تکذیب کرده است و ساخت دیوار را تنها اقدامی موقتی خوانده است، واکنش جامعه بین‌المللی علیه اقدام اسرائیل بسیار شدید بوده است، به طوری که حتی آمریکا - متحد سنتی اسرائیل - نتوانسته است از این اقدام حمایت نماید. مقامات عالی رتبه آمریکایی در مقاطعی، حتی انتقاداتی را متوجه رژیم اسرائیل کرده‌اند. در جریان دیدار عباس، نخست‌وزیر دولت فلسطین، رئیس‌جمهوری آمریکا از ایجاد بی‌اعتمادی بین دو طرف که نتیجه ساخت دیواری بوده است سخن گفت و شارون نیز در جریان یکی از دیدارهای خود از آمریکا، ضمن اشاره به نگرانیهای دولت آمریکا، اظهار کرد که به مقامات آمریکایی قول داده است که نگرانیهای طرف مقابل را مد نظر قرار خواهد داد. حتی در اثر فشارهای وارده، پیشنهادهایی مبنی بر لزوم کوتاه کردن دیوار به یکصد کیلومتر نیز مورد بحث قرار گرفته است.

علاوه بر دولتهای جهانی، سازمانهای بین‌المللی نیز اقدام اسرائیل را نقض آشکار حقوق و مقررات بین‌المللی به ویژه حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر خوانده و خواهان توقف

این اقدام شدند. کمیته بین المللی صلیب سرخ در بیانیه‌ای، ساخت دیوار را دارای عواقب حقوقی و انسان دوستانه دانسته، خواستار توقف ساخت دیوار و بازگرداندن شرایط به وضعیت پیشین خود گردید.^۵ در چارچوب سازمان ملل، دبیر کل آن سازمان با صدور بیانیه‌ای ضمن ابراز نارضایتی خود از این واقعه این اقدام را محکوم کرد و آن را مانعی جدی بر سر راه صلح در منطقه خواند.^۶ مجمع عمومی سازمان ملل نیز این اقدام را با صدور قطعنامه‌ای محکوم نمود. متأسفانه شورای امنیت سازمان ملل متحد به دلیل مخالفت آمریکا - که دارای حق وتو می‌باشد - نتوانست قطعنامه‌ای در این باره تصویب کند.^۷ که این خود انگیزه‌ای شد که مجمع عمومی سازمان ملل با تشکیل مجدد جلسه، دهمین اجلاس اضطراری ویژه در مورد فلسطین طرح قطعنامه‌ای را در مورد این موضوع بررسی نماید. در پی بحث‌هایی که صورت گرفت اجلاس فوق العاده مجمع عمومی در ۲۷ اکتبر ۲۰۰۳، قطعنامه‌ای را در مورد محکومیت ساخت دیوار تصویب نمود. این قطعنامه، ساخت دیوار را غیرقانونی خوانده، خواستار توقف هرگونه عملیات ساختمانی برای ساخت دیوار می‌گردید. بر این اساس، قطعنامه از دبیر کل سازمان ملل درخواست می‌نمود که گزارشی در مورد اقدام اسرائیل برای اجرای درخواست مجمع عمومی مبنی بر توقف ساخت دیوار به آن مجمع ارائه نماید.^۸

دبیر کل، حدود یک ماه پس از صدور قطعنامه بنا به درخواست مجمع عمومی، گزارشی را به مجمع ارائه کرد که طی آن اعلام نمود که اسرائیل با درخواست مجمع عمومی برای توقف عملیات ساخت دیوار موافقت نکرده و آن را اجرا ننموده است.^۹ در این شرایط، دهمین نشست ویژه مجمع عمومی با تشکیل دوباره جلسه خود، ضمن بررسی موضوع و با توجه به برخورد منفی اسرائیل در قبال درخواست جامعه بین المللی و با هدف افزایش فشار سیاسی و حقوقی بر آن رژیم، تصمیم گرفت که موضوع عواقب حقوقی ساخت دیوار را به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع کند. بدین ترتیب، در تاریخ هشتم دسامبر ۲۰۰۳، مجمع عمومی طرح قطعنامه‌ای را درباره درخواست رأی مشورتی از دیوان بین المللی دادگستری پیرامون عواقب حقوقی ساخت دیوار مورد بررسی قرار داده، به تصویب رساند. این قطعنامه با موافقت نود کشور، مخالفت هشت کشور (اسرائیل، آمریکا، اتیوپی، استرالیا، جزایر مارشال،

میکرونزی، نائورو و پالائو) و ۷۴ رأی ممتنع به تصویب رسید.^{۱۰} دیوان بین‌المللی دادگستری در بیانیه‌ای، روز سی‌ام ژانویه را مهلت ارایه نظرات کتبی از سوی دولتها اعلام نمود.^{۱۱} به دنبال تصویب این قطعنامه، ۴۴ کشور (به ویژه کشورهای که مخالف دخالت دیوان در این مسئله بودند) نظرات کتبی خود را به دیوان ارایه کردند. تعداد هفده کشور نیز با شرکت در جلسه استماع دیوان - از ۲۳ تا ۲۵ ماه فوریه تشکیل گردید - نظرات خود را به طور رسمی به دیوان ارایه نمودند.

برخی از کشورها از جمله اسرائیل، آمریکا و اعضای اتحادیه اروپا با این استدلال که دیوان از صلاحیت و اختیار لازم حقوقی برای قضاوت پیرامون این موضوع اختلاف برانگیز برخوردار نیست، جلسه استماع را تحریم کرده، تنها به ارایه نظرات کتبی بسنده نمودند. در برابر، سازمان کنفرانس اسلامی نیز درخواست نمود که در جلسه دیوان شرکت نماید. دیوان در بیانیه‌ای با شرکت سازمان کنفرانس اسلامی در جلسه استماع و امکان ارایه نظرات حقوقی خود پیرامون این موضوع موافقت نمود.^{۱۲} دیوان پس از بررسی نظرات کتبی و استماع نظرات دیگر کشورها در جلسات رسمی خود، وارد بررسی محتوایی موضوع شد و در ژوئیه ۲۰۰۴، رسماً رأی مشورتی خود را به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارایه نمود. رأی مشورتی دیوان دارای ۱۶۳ بند است که می‌توان آنها را به چند بخش: مقدمه، موضوع صلاحیت دیوان در بررسی درخواست مجمع عمومی، بررسی ماهیت موضوع و رأی مشورتی و نتیجه رأی تقسیم کرد.^{۱۳} رأی مشورتی دیوان فارغ از بند نهایی آن که نظر روشن دیوان پیرامون درخواست مجمع عمومی را اعلام می‌کند، از نظر حقوقی و روشن نمودن آراء دیوان پیرامون برخی از موضوعات حقوق بین‌الملل بسیار حایز اهمیت بوده، به توسعه اصول پذیرفته شده بین‌المللی کمک به سزایی می‌کند. این رأی دیوان به دلیل ابراز نظر آن در برخی دیگر از موارد مورد اختلاف فلسطین و رژیم اسرائیل چون ساخت شهرک‌های یهودی نیز بسیار حایز اهمیت است.

بررسی صلاحیت مجمع عمومی در تصویب درخواست رأی مشورتی

نخستین موضوعی را که دیوان در جزئیات تفصیلی به بررسی آن پرداخته است، بحث صلاحیت مجمع عمومی، مداخله در این موضوع و ضرورت پاسخ به درخواست رأی مشورتی از سوی مجمع عمومی است. دیوان براساس بند یک از ماده ۶۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند به درخواست هر نهادی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد آن را مجاز به درخواست رأی مشورتی نماید، پاسخ مثبت داده، رأی مشورتی خود را صادر نماید. براساس ماده ۹۶ منشور ملل متحد، مجمع عمومی سازمان ملل نیز مجاز به درخواست رأی مشورتی دانسته شده است. ماده ۹۶ منشور ملل متحد اشعار می‌داد: «مجموع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌توانند در مورد هر موضوع حقوقی از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست رأی مشورتی نمایند.» اما مخالفان ادعا کرده‌اند که این درخواست مجمع عمومی مطابق اصول و مقررات انجام نگرفته و اصولاً نمایندگان اسرائیل اعلام کرده‌اند که نخست، مجمع عمومی سازمان ملل نمی‌تواند تا وقتی موضوعی در دستور کار شورای امنیت قرار دارد و شورا در مورد آن بحث می‌کند، چنین درخواستی از مجمع بکند. بر همین اساس از آنجا که موضوع فلسطین و سرزمینهای اشغالی نیز هم‌اکنون در دستور کار شورای امنیت قرار دارد، (براساس ماده دوازده منشور)، مجمع نمی‌توانسته است وارد موضوع شده، توصیه‌ای را پیرامون بحث فلسطین ارائه نماید. بنابر این، درخواست رأی مشورتی از سوی مجمع عمومی اصولاً فاقد مبنای قانونی است و دیوان، صلاحیت رسیدگی به آن را ندارد.^{۱۴} دوم، تفسیری که از ماده دوازده و بند نخست آن شده است، مطابق رویه سازمان ملل و دوران تحولی که این سازمان در دهه‌های اخیر شاهد آن بوده است، نمی‌باشد. موضوع عدم دخالت مجمع عمومی در قضایای بین‌المللی در شرایطی که شورای امنیت آن موضوع را در دستور کار خود دارد، سالهاست که به نحو منعطف و واقع‌گرایانه‌ای تفسیر شده است که رویه سازمان ملل نیز گویای توافق و تثبیت آن است. به ویژه در قطعنامه 377A(V) مصوب سازمان ملل، تفسیر جدیدی را از محتوای این بحث ارائه نموده است. در این قطعنامه به صراحت آمده است: اگر شورای امنیت به دلیل نبود اتفاق آرای میان اعضای دایم خود، قادر به اعمال مسئولیت

نخستین خود در حفظ صلح و امنیت بین المللی و در هر وضعیت و قضیه ای که تهدیدی برای صلح، نقض صلح یا اقدام به تجاوز نباشد، مجمع عمومی فوراً موضوع را با هدف ارایه توصیه های مناسب به اعضا جهت اتخاذ اقدامات دسته جمعی بررسی خواهد نمود.» این شرایطی است که دقیقاً در زمان تشکیل دهمین اجلاس ویژه اضطراری مجمع عمومی در سال ۱۹۹۷ به وجود آمد. در آن سال، شورای امنیت به دلیل رأی منفی یکی از اعضای دائم، نتوانست در مورد قضیه مربوط به شهر کهای یهودی نشین و گسترش ساخت آنها در سرزمینهای اشغالی تصمیم بگیرد، در حالی که براساس مفاد قطعنامه ES-10/2 این اقدامات، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی محسوب می گردید. دهمین اجلاس ویژه اضطراری مجمع عمومی درست در همین شرایط در بیستم اکتبر ۲۰۰۳، دوباره تشکیل شد و این زمانی بود که شورای امنیت در چهاردهم اکتبر ۲۰۰۳، به دلیل مخالفت یکی از اعضای دائم، پیش نویس قطعنامه درباره ساخت دیوار در سرزمینهای اشغالی را تصویب نکرد. بدین ترتیب، براساس مفاد قطعنامه 377A(V) که در بالا ذکر گردید، با توجه به عدم تصمیم شورای امنیت، مجمع عمومی می توانست تشکیل جلسه داده و تصمیم لازم را اتخاذ نماید. بر این مبنا، دیوان تشکیل جلسه ویژه اضطراری مجمع عمومی را مطابق وظایف قانونی مجمع عمومی تشخیص داده و تصمیم آن مبنی بر درخواست رأی مشورتی را قانونی و صحیح می داند.

ابهام در مورد ماهیت حقوقی در خواست مجمع عمومی

بر اساس ماده ۹۶ منشور ملل متحد و ماده ۶۵ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، مجمع عمومی سازمان ملل می تواند در مورد موضوعات حقوقی از دیوان درخواست رأی مشورتی نماید. مخالفان بررسی موضوع در دیوان ادعا کرده اند که پرسش مطرح شده از سوی مجمع، ماهیتی حقوقی ندارد، به ویژه نمایندگان اسرائیل اظهار کرده اند که محتوای درخواستی رأی مشورتی دیوان، در واقع ماهیتی سیاسی دارد و یا حداقل ابعاد مهم آن سیاسی است و ماهیتی چندان حقوقی ندارد. دیگر آنکه پرسش درخواستی، از روشنی کامل برخوردار نیست و همین امر درخواست مجمع را دچار ابهام می کند. در پرسش

درخواستی کاملاً نمی‌توان فهمید که کدام عواقب حقوقی حاصله از ساخت دیوار، مدنظر مجمع عمومی است و آیا منظور از مجمع، پرسش در مورد مشروعیت قانونی ساخت دیوار هم هست یا نه.^{۱۴}

دیوان در پاسخ به این ابهامات نظر داده است که نخست، ماهیت رأی مشورتی مورد درخواست مجمع عمومی ماهیتی حقوقی است، چرا که موضوع اصلی رأی مشورتی، عواقب و تبعات حقوقی ایجاد شده در اثر ساخت دیوار با در نظر گرفتن تعهدات مندرج در پروتکل چهارم ژنو و قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت است. اینکه این موضوع دارای ابعاد سیاسی هم می‌باشد، نمی‌تواند صحت اقدام مجمع عمومی در چنین درخواستی را مخدوش سازد. بدیهی است که بسیاری از مسایل حقوقی دارای جنبه‌های مهم سیاسی باشند. دیوان در رأی مشورتی خود پیرامون مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای نیز همین موضوع را یادآوری نموده و نتیجه‌گیری کرده است که اگر هم درخواست رأی مشورتی از دیوان دارای جنبه‌های مهم سیاسی باشد، نمی‌توان دیوان را از پرداختن به موضوع باز داشت.^{۱۵} دیگر اینکه ابهام در درخواست مجمع عمومی، محدودیتی برای دیوان ایجاد نمی‌کند و آن را از پرداختن به موضوع باز نمی‌دارد. طبیعتاً در بررسی عواقب ناشی از ساخت دیوار، دیوان موضوع اینکه آیا ساخت دیوار مطابق و یا مخالف اصول حقوق بین‌الملل می‌باشد را نیز مورد بررسی قرار خواهد داد. بر این اساس، دیوان نتیجه می‌گیرد که ماهیت موضوع رأی مشورتی نیز منطبق با مقررات و حقوق بین‌الملل و در چارچوب وظایف مجمع عمومی صورت گرفته است.

دلایل دیوان در ضرورت ارایه رأی مشورتی

پس از آنکه دیوان اقدام مجمع عمومی در درخواست رأی مشورتی را برابر با قوانین بین‌المللی تشخیص داد، وارد محتوای موضوع گردید. در این مرحله، مخالفان مدعی بودند که چون دیوان الزاماً متعهد و موظف به ارایه رأی مشورتی نیست و دلایلی وجود دارد که دیوان را از دادن رأی مشورتی خود منع می‌کند، دیوان باید به دلایل توجه کافی نماید و از دادن رأی

خودداری کند. دیوان در بندهای ۴۳ تا ۶۵ از رأی مشورتی خود به تفصیل پیرامون این موضوع به بحث پرداخته است. دیوان در رأی خود توضیح می‌دهد که رایحه رأی مشورتی توسط دیوان، از اختیارات دیوان است و هیچ کس نمی‌تواند دیوان را مجبور به رایحه رأی مشورتی بنماید و آن را از دادن رأی مشورتی منع کند. چنانچه در بند یک از ماده ۶۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری هم آمده است، دیوان می‌تواند به درخواست رأی مشورتی پاسخ دهد. بنابراین، حتی اگر شرایط درخواست درست انجام شده باشد و مطابق حقوق بین‌الملل باشد، باز هم دیوان این حق را خواهد داشت که رأی خود را رایحه نکند. اما از جانب دیگر، دیوان مایل است نقش خود را در حل و فصل اختلافات و همراهی و همگامی با سازمان ملل در پیگیری تحولات جهان و انجام وظایف خود ایفا کند و رایحه رأی مشورتی توسط دیوان، دقیقاً به معنای همین مشارکت در فعالیتهای مربوط به نظام سازمان ملل متحد محسوب می‌گردد. بنابراین، اصل و مبنا برای دیوان، تلاش برای رایحه رأی مشورتی در شرایطی است که عوامل و مقتضیات آن موجود باشد، مگر آنکه دلیل معارض جدی وجود داشته باشد که دیوان را متقاعد نماید که از دادن رأی خودداری نماید. حال باید دید که آیا دلایل معارض جدید وجود دارد که دیوان را از دادن رأی مشورتی خود باز دارد یا نه. از نظر مخالفان، پنج دلیل جدی وجود دارد که دیوان را به عدم رایحه رأی خود دعوت می‌نماید. دیوان در رأی خود پنج دلیل رایحه شده توسط مخالفان صدور رأی مشورتی توسط دیوان را بررسی کرده، نظرات حقوقی خود را پیرامون هر یک رایحه داده است.

دلیل نخست: موضوع درخواست رأی مشورتی دیوان، موضوعی با ماهیت دو جانبه و به عنوان بخشی از موضوع وسیعتر اختلافات اسرائیل و فلسطین درباره مسایلی چون تروریسم، امنیت، مرزهای دو طرف، وضعیت بیت المقدس است که نمی‌تواند بدون موافقت دو طرف حل و فصل شود، در ارجاع این موضوع به دیوان نیز یکی از طرفین (اسرائیل) موافقت خود با صلاحیت دیوان در پرداختن به این موضوع را اعلام نکرده است. دیوان بر این اساس به علت مخالفت یکی از اعضا با موضوعی که دارای ماهیت دو جانبه است، لازم است از رایحه رأی مشورتی خودداری کند. دیوان در بررسی دلیل نخست، چنانچه در متن رأی مشورتی به آن

پرداخته است به این نتیجه رسیده است که این موضوع، بحثی دو جانبه نبوده، بلکه فراتر از موضوعی دوجانبه و بلکه مشخصاً و مستقیماً به سازمان ملل به طور کل و مجمع عمومی به طور خاص مربوط می شود. مسئولیت مستقیم سازمان ملل درباره موضوعات مربوط به فلسطین و سرزمینهای اشغالی، ریشه در واگذاری اختیار این سرزمین در چارچوب برنامه های استعمارزدایی و وظیفه پایان دادن به اداره استعماری این سرزمین و همچنین در قطعنامه های مهم و اصولی اولیه ای دارد که در سالهای نخستین تشکیل این سازمان به تصویب رسیده اند. این موضوع همچنین در قطعنامه شماره ۵۷/۱۰۷ مصوب سال ۲۰۰۲ مجمع عمومی مورد تأکید قرار گرفته است که مجمع در آن اذعان می کند: «موضوع فلسطین از مسئولیتهای دائمی سازمان ملل متحد تا زمان حل نهایی آن در تمامی جنبه های آن به نحوی رضایت بخش و مطابق قوانین بین المللی است.» هدف مجمع عمومی سازمان ملل در ارایه این درخواست برای رأی مشورتی نیز کمک به حل قضیه فلسطین، حداقل در برخی از جنبه های آن است که با توجه به مسئولیت این سازمان و مجمع عمومی پیرامون موضوعی که برای سازمان ملل از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، صورت گرفته است. بنابراین، این موضوع، از ماهیتی فراتر از یک بحث دو جانبه برخوردار است و بر همین مبنا، نظر طرفین این دعوا یا مخالفت آنها نمی تواند تأثیری بر اقدام دیوان در بررسی رأی مشورتی داشته باشد و در حدی نیست که دیوان را به عدم اقدام در ارایه رأی مشورتی خود قانع نماید.

دلیل دوم: مخالفان اظهار می کنند که در حال حاضر یک روند سیاسی فعال در زمینه حل و فصل قضیه فلسطین وجود دارد و گروه چهارجانبه (آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا و سازمان ملل) طرحی را تحت عنوان «نقشه راه» ارایه کرده اند. موضوع ساخت دیوار نیز یکی از موضوعاتی است که می تواند در چارچوب مذاکرات نقشه راه مورد مذاکره و بررسی قرار گیرد. ارایه رأی مشورتی دیوان در این زمان، می تواند بر فرآیند این مذاکرات تأثیر منفی بگذارد و به پیچیدگی کل مذاکرات دو طرف بینجامد. دیوان با بررسی این دلیل نیز به این نتیجه رسید که طبیعی است که موضوع ساخت دیوار، یکی از موضوعات مربوط به قضیه فلسطین است، اما این امر باعث عدم اقدام برای ارایه رأی مشورتی نمی گردد. دیوان تا آنجا که ممکن است

مباحث خود را به موضوع ساخت دیوار محدود می کند و بحثها و جنبه های دیگر موضوع فلسطین و سرزمینهای اشغالی را تا جایی مورد بررسی قرار خواهد داد که به بحث ساخت دیوار مرتبط باشد. به دلیل ارتباط موضوعات متعدد قضیه فلسطین با یکدیگر، دیوان نمی تواند از پذیرش درخواستی که مجمع عمومی در مورد تحول خاصی که در فلسطین رخ داده است و به یک جنبه خاص مرتبط می گردد، امتناع کند. همچنین، دیوان اعلام نمود که نمی تواند بفهمد که رأی مشورتی دیوان چگونه ممکن است بر مذاکرات پیرامون قضیه فلسطین و همچنین مذاکرات اعضای چهار جانبه طرح نقشه راه تأثیر منفی بگذارد.

دلیل سوم: مخالفان ابراز می کنند که قضیه فلسطین، موضوعی بسیار پیچیده و حاوی دقایق و جزئیات بسیار ریز و گسترده است. دادن رأی و نظر، پیرامون جنبه هایی از قضیه فلسطین نیز به همین صورت به احاطه و آگاهی عمیق از تمامی این دقایق و جزئیات نیاز دارد که به نظر نمی رسد که دیوان در چنین جایگاهی قرار داشته باشد. دیوان در پاسخ به این دلیل، اعلام کرده است که در حال حاضر، اطلاعات کافی و بسیاری در مورد موضوع ساخت دیوار توسط منابع مختلف تهیه و ارائه شده است که دیوان را به بررسی همه جانبه موضوع برای ارائه یک رأی مشورتی قادر می سازد. از جمله گزارش مبسوط دبیر کل سازمان ملل متحد، پرونده چند جلدی اسناد و لوایح نوشته شده ارسالی توسط اعضای سازمان ملل اطلاعات بسیار زیادی را در مورد جزئیات ساخت دیوار، مسیر ساخت دیوار و همچنین تأثیرات انسانی، اجتماعی و اقتصادی بر روی مردم فلسطین در اختیار دیوان قرار می دهد. چندین گزارش بین المللی که حاصل بازدید از محل ساخت دیوار توسط گزارشگران ویژه و نمایندگان نهادهای ذیصلاح سازمان ملل است نیز اطلاعات خیلی خوبی در اختیار دیوان قرار می دهد. بنابراین، با ادعای به اینکه دیوان اطلاعات تفصیلی و جزئی کافی ندارد، باعث این نمی شود که دیوان از درخواست دادن رأی مشورتی خودداری نماید.

دلیل چهارم: مخالفان ابراز کرده اند که رأی مشورتی دیوان نمی تواند هدف سودمندی در پی داشته باشد. مجمع عمومی سازمان ملل در واقع نیازی به این رأی ندارد، چرا که مجمع عمومی با صدور قطعنامه ای، ساخت دیوار را غیرقانونی اعلام کرده و با توجه به آثار حقوقی آن

در نقض حقوق اولیه مردم فلسطین، خواستار آن شده است که ساخت دیوار، متوقف و اقدام لازم برای برگرداندن اوضاع و شرایط به همان شکل اولیه خود صورت گیرد. علاوه بر این، مجمع عمومی خود نیز مشخص نکرده است که چگونه می‌خواهد از رأی دیوان استفاده کند و این رأی مشورتی را برای چه اقداماتی نیاز دارد. دیوان پس از بررسی این دلیل، استدلال کرده است که اصولاً هدف از درخواست رأی مشورتی، مستند کردن و تأمین مبنای حقوقی برای نظر و دیدگاهی است که درخواست کننده رأی مشورتی بدان اعتقاد دارد، بنابراین، این خود یک هدف و فایده اساسی در ارایه رأی مشورتی است. به علاوه، دیوان اصولاً نقشی در تفسیر و یا کارکرد رأی مشورتی ندارد و در این مورد مشخص نیز مجمع عمومی سازمان ملل خود در مورد فایده و اهمیت کارکرد نقش مشورتی بر اساس نیاز و ضروریات خود تصمیم خواهد گرفت. دیوان در رأی مشورتی خود درباره عدم مشروعیت قانونی کاربرد و یا تهدید به کاربرد سلاحهای هسته‌ای نیز همین نتیجه‌گیری و ارزیابی را اعلام نموده است.^{۱۶} بنابراین، دیوان نمی‌تواند و قانع نشده است که به دلیل مشخص نبودن فایده و نحوه استفاده از رأی مشورتی از دادن چنین رأیی خودداری نماید.

دلیل پنجم: پنجمین دلیل برخی از مخالفان برای قانع کردن دیوان جهت صرف نظر نمودن از ارایه رأی مشورتی آن است که عامل به وجود آمدن ناامنی و بی‌ثباتی در سرزمین فلسطین، خود فلسطینی‌ها و حکومت خودگردان فلسطین است و ساخت دیوار، دقیقاً اقدامی برای جلوگیری از توسعه ناامنی حاصل از اقدامات فلسطینی‌ها است. در چنین شرایطی، رأی دیوان می‌تواند نوعی پاداش به فلسطینی‌هایی تلقی شود که خود عامل ایجاد این شرایط هستند. دیوان در پاسخ به این استدلال اعلام کرده است که درخواست رأی مشورتی از سوی مجمع عمومی سازمان ملل صورت گرفته است و توسط کشور خاصی ارایه نشده است. رأی مشورتی نیز به همین صورت به مجمع عمومی سازمان ملل داده می‌شود تا از آن به نحو مقتضی بهره‌برداری نماید. رأی دیوان به یک کشور خاص که بخواهد از آن استفاده‌های خاص علیه دیگری بکند ارایه نمی‌گردد. بنابراین، این دلیل نمی‌تواند دیوان را از دادن رأی مشورتی خود به مجمع عمومی منصرف نماید.

بر این پایه ورد دلایل مخالفان صدور رأی مشورتی و با توجه به بررسی تمام دلایل و جنبه‌های بحث، دیوان نتیجه می‌گیرد که صلاحیت لازم را در ارایه رأی مشورتی به مجمع عمومی سازمان ملل دارا می‌باشد و هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای وجود ندارد که دیوان از اختیار خود در دادن این رأی مشورتی خودداری نماید. بعد از آن که دیوان صلاحیت خود پیرامون رسیدگی به درخواست مجمع عمومی را مورد تأیید قرار داد، وارد بررسی محتوای نقض قوانین بین‌المللی توسط رژیم اسرائیل گردید. در بندهای ۶۶ تا ۶۹ رأی مشورتی، دیوان ابتدا به بررسی به این ادعا پرداخت که آیا اصول و مقررات حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق و قوانین حقوق بشر اصولاً بر مردم فلسطین و سرزمینهای تحت اشغال قابل اعمال هستند یا نه. رژیم اسرائیل ادعا می‌کرد که چنین مقررات و اصولی در شرایط خاص سرزمینهای اشغالی قابل اعمال نیستند. در مورد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و ضرورت حفظ حقوق مردم در شرایط مناقشه، دیوان ادعای اسرائیل را که این رژیم عضو کنوانسیون چهارم سال ۱۹۰۷ لاهه نمی‌باشد را رد کرده و اذعان نموده است که مقررات بشردوستانه کنوانسیون لاهه، به صورت قواعد و قوانین عرفی درآمده است. بنابراین، تمامی دولت‌ها و اعضای جامعه بین‌المللی ملزم به رعایت آنها در شرایط مناقشه هستند. دیوان همچنین اذعان می‌کند که براساس ماده ۱۵۴ کنوانسیون چهارم ژنو این کنوانسیون مکمل بخشهای دوم و سوم مقررات لاهه بوده و بخش سوم نیز که درباره حاکمیت نظامی بر سرزمینهای کشور متخاصم می‌باشد، دقیقاً در همین چارچوب قابل استناد می‌باشد. دیوان همچنین ادعای اسرائیل را که معتقد است مقررات کنوانسیون چهارم ژنو بر مردم سرزمینهای فلسطین قابل اعمال نمی‌باشد را رد می‌کند و بر این باور است که این کنوانسیون به دلیل آنکه هم رژیم اسرائیل و هم دولت اردن از سال ۱۹۵۱ به آن پیوسته و هیچ‌گونه تحفظی در نحوه اعمال آن اعلام نکرده‌اند بر مردم سرزمینهای اشغالی اطلاق می‌شود. دولت اسرائیل حتی در موارد متعددی اعلام کرده است که مقررات کنوانسیون چهارم ژنو را به طور کلی بر مردم سرزمینهای اشغالی اعمال می‌کند. دیوان معتقد است که وقتی مناقشه مسلحانه بین دو عضو کنوانسیون چهارم ژنو وجود داشته باشد، مقررات آن کنوانسیون در هر صورتی باید اعمال گردد و دولت‌های عضو نمی‌توانند به

دلیل آن که سرزمینهای تحت اشغال آنها در قلمرو حاکمیت آنها قرار می‌گیرند، از اعمال این قوانین خودداری نمایند. دیوان در این نتیجه‌گیری به اسناد مقدماتی و مذاکراتی کنوانسیون چهارم ژنو اشاره می‌کند و اعلام می‌کند که این اسناد نشان می‌دهند که روح و هدف تدوین کنندگان کنوانسیون مزبور، حفاظت از افراد غیرنظامی در برابر نیروهای اشغالگر، فارغ از وضعیت حقوقی سرزمینهای تحت اشغال است. این برداشت و تفسیر را کنفرانس اعضای کنوانسیون چهارم ژنو در پانزدهم ژوئیه ۱۹۹۹ تأیید کرده است که متعاقباً کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، مجمع عمومی و شورای امنیت هم آن را تأیید کرده‌اند. رأی دیوان عالی اسرائیل از تاریخ سی ام ماه مه ۲۰۰۴ نیز همین اصل را مورد تأیید قرار داده است.

بنابراین، اصول و مقررات کنوانسیون چهارم ژنو بر مردم سرزمینهای فلسطین اشغالی بعد از ۱۹۶۷ اطلاق می‌شود. در جایی دیگر، اسرائیل رعایت اصول و مقررات حقوق بشر را در مورد مردم فلسطین رد کرده و ادعا می‌کند که مقررات حقوق بشر به قصد حفاظت مردم غیرنظامی در برابر دولتهای خود و در شرایط صلح تدوین شده‌اند. دیوان با بررسی موضوع، یادآوری می‌کند که حفاظت از مردم غیرنظامی با اهداف پیمان نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در زمان جنگ و مناقشه مسلحانه متوقف نمی‌گردد و حتی دولتها موظف به رعایت این قوانین در خارج از قلمرو و حاکمیت خود هستند. بدین ترتیب، دیوان نتیجه‌گیری می‌کند که براساس روح و اسناد مقدماتی، مذاکره معاهدات مربوط (Travaux Preparatoires)، اسرائیل موظف به رعایت پیمان نامه حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک بوده، موظف است که هرگونه مانعی را در برابر اجرای مفاد پیمان نامه بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درباره سرزمینهایی که اداره آنها را به دست مقامات فلسطین سپرده است، از میان بردارد.

نقض قوانین بین‌المللی توسط رژیم اسرائیل در اثر ساخت دیوار

پس از اثبات قابل اطلاق بودن و لازم الاجرا بودن مفاد مقررات حقوق بین‌المللی درباره سرزمینهای اشغالی، دیوان در بندهای ۱۱۴ تا ۱۴۲ رأی مشورتی خود، به بررسی موضوع

نقض قوانین بین‌المللی که موضوع درخواست مجمع عمومی است می‌پردازد و در طی چندین مرحله، نتیجه‌گیری خود درباره نقض مقررات بین‌المللی را اعلام می‌نماید. در نخستین مرحله، دیوان ساخت دیوار در مناطق اشغالی را نقض حق مردم فلسطین برای تعیین سرنوشت خود، از طریق الحاق سرزمینهای آنها از طریق زور و تهدید به سرزمین اسرائیل می‌داند. دیوان موضع دولت اسرائیل را مبنی بر آنکه این اقدام، تنها برای حفظ جان مردم در برابر حملات تروریستی در نوار غزه دانسته و آن را اقدامی موقتی اعلام می‌کند، کافی ندانسته و آن را مجوزی برای نقض اصول حقوقی ممنوعیت کسب سرزمینی از طریق اعمال زور نمی‌داند.

دیوان، اقدام اسرائیل در الحاق سرزمینی و توسعه طلبی را نقض حقوق مسلم مردم فلسطین برای تعیین سرنوشت خود می‌داند و با توجه به اسناد سازمان ملل، اعم از مصوبات مجمع عمومی و شورای امنیت وجود ملت فلسطین همراه با حقوق مشروع شناسایی شده برای آنها را امری مسلم معرفی می‌کند که رعایت آن حقوق بر رژیم اسرائیل لازم و ضروری می‌باشد. دیوان همچنین تأکید می‌نماید که مسیری که برای ساخت دیوار تعیین شده است، ناظر بر آن است که هفتاد درصد سرزمینهای محل استقرار شهرکهای یهودی نشین را تحت پوشش خود قرار می‌دهد و بدین ترتیب، هدف آن تحت حمایت قرار دادن یهودی‌های ساکن این شهرکها در سرزمینهای اشغالی شامل بیت المقدس شرقی می‌باشد. دیوان بار دیگر براساس اسناد موجود بین‌المللی اذعان می‌کند که اسرائیل از سال ۱۹۷۷، اقدام به استقرار و اسکان چنین شهرکهایی در سرزمینهای اشغالی نموده است در حالی که این اقدام به طور آشکار، مخالف اصول حقوق بین‌المللی به ویژه ماده ۹ کنوانسیون چهارم ژنو است که اعلام می‌کند: «قدرت اشغالگر نباید به اخراج و یا انتقال بخشهایی از جمعیت غیر از خود به سرزمینهای تحت اشغال مبادرت نماید.» شورای امنیت نیز با تأیید این اصل، اعلام نموده است که اتخاذ چنین سیاستها و رویه‌هایی از هیچ‌گونه اعتبار قانونی و حقوقی برخوردار نمی‌باشد و «نقض فاحش» کنوانسیون چهارم ژنو محسوب می‌گردد. دیوان براین اساس، به رغم ادعای رژیم اسرائیل که ساخت دیوار را به معنای الحاق سرزمینی نمی‌داند و آن را تنها

اقدامی موقتی می‌خواند، نتیجه می‌گیرد که ساخت دیوار و رژیم مربوط به آن به ایجاد یک وضعیت عملی ایجاد شده در صحنه منجر شده است که می‌تواند به یک وضعیت دائمی مبدل شود. دیوان همچنین با توجه به شکل و خصوصیت ساخت دیوار توسط اسرائیل این اقدام را مترادف الحاق و اشغال سرزمینی اعلام می‌کند. دیوان معتقد است مسیری که برای دیوار نیز در نظر گرفته شده است در همان راستای سیاست اسرائیل در مورد بیت المقدس و ساکنان شهر کهای یهودی نشین می‌باشد که توسط شورای امنیت سازمان ملل نیز تقبیح شده است. ساخت دیوار می‌تواند به تغییر بافت و محل اسکان بخش دیگری از مردم فلسطین در سرزمینهای اشغالی بینجامد که خود در ادامه همان سیاستهای محکوم شده است. بر این اساس ساخت دیوار و اقدامات جانبی که در کنار آن اتخاذ می‌گردد، به طور جدی بر اعمال حق مردم فلسطین بر تعیین سرنوشت خود مانع ایجاد می‌کند. بنابراین، به معنای نقض تعهدات اسرائیل مبنی بر رعایت این اصل می‌باشد.

نقض مقررات بشر دوستانه و حقوق بشر بین المللی

دیوان با بررسی شرایط منطقه به این نتیجه می‌رسد که ساخت دیوار در سرزمینهای اشغالی، موجب ایجاد مانع بر سر رفت و آمد آزادانه مردم ساکن در سرزمین فلسطین می‌شود و به طور جدی بر کشت و تولید محصولات کشاورزی تأثیر منفی گذاشته و دسترسی مردم به امکانات بهداشتی، امکانات آموزش و منابع اولیه آب را محدود کرده است. همچنین ساخت این دیوار، حقوق بسیاری از مردم فلسطین برای انتخاب محل سکونت خود را محدود کرده است. با ساخت دیوار، شمار بالایی از مردم فلسطین مجبور شده‌اند که از مناطق شخصی در حوالی دیوار به نقاط جدید تغییر مکان دهند که این خود منجر به تغییر ترکیب جمعیتی سرزمینهای اشغالی گردیده است. ساخت دیوار با نقض ماده ۱۲ پیمان نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق آزادی جابه جایی مردم را نقض کرده است و همچنین حق دسترسی به کار، سلامت، آموزش و پرورش و دسترسی به استاندارد مناسب زندگی را براساس پیمان نامه بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل

محدود نموده است. دیوان قانع نشده است که مسیری که برای ساخت دیوار انتخاب شده است برای دستیابی به اهداف امنیتی مورد نظر ضروری بوده است، بلکه ساخت دیوار و فعالیتهای مرتبط با آن به طور جدی حقوق زیادی از مردم فلسطین را که تحت اشغال زندگی می کنند نقض کرده است. دیوان تأکید می نماید که دستیابی به اهداف امنیتی یا ایجاد نظم نمی تواند توجیهی برای نقض فاحش این اصول فراهم نماید، بلکه اقدام به تأمین امنیت و نظم باید براساس مقررات بین المللی و با حفظ اصول و مقررات معاهدات بین المللی بشردوستانه و حقوق بشری صورت گیرد. بر این اساس، ساخت دیوار ناقض تعهدات مختلف اسرائیل درباره قوانین بین الملل بشردوستانه و پیمان نامه های حقوق بشری است.

پیامدهای حقوقی ساخت دیوار

در مرحله پایانی، دیوان با احراز نقض قوانین بین الملل توسط اسرائیل، در بندهای ۱۵۴ تا ۱۵۹ رأی خود به بررسی پیامدهای حقوقی و قانونی ساخت دیوار پرداخته است. دیوان نتیجه گیری کرده است که نخست، اسرائیل باید به تمامی تعهدات بین المللی که با ساخت دیوار نقض کرده است احترام بگذارد، به ویژه به مقررات پیمان نامه های حقوق بشری و مفاد کنوانسیونهای حقوق بشردوستانه وفادار بماند و آنها را رعایت کند و از جمله باید به حق مردم فلسطین برای تعیین سرنوشت خود احترام بگذارد. اسرائیل از جمله باید حق آزادی دسترسی مردم به اماکن مقدس مذهبی که تحت اشغال قرار دارند را تضمین نماید.

اسرائیل مکلف است که به نقض تعهدات بین المللی خود پایان دهد و کار ساخت دیوار از جمله در منطقه بیت المقدس شرقی را متوقف نماید. از نظر دیوان، پایان دادن به نقض تعهدات بین المللی اسرائیل ایجاب می کند که اسرائیل در عمل، آن بخشهایی از دیوار را که در سرزمینهای اشغالی از جمله بیت المقدس شرقی واقع است - تخریب نماید. اسرائیل همچنین متعهد است که خسارات وارد شده به تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی را در برابر خسارتهایی که به آنها وارد شده است، جبران نماید. بر این اساس، اسرائیل متعهد است که سرزمینها، باغها، مزارع کشت زیتون و دیگر سرزمینهای غیرمنقول را که از افراد حقیقی و

حقوقی اخذ شده است را به آنها مسترد نماید و اگر چنین اقدامی موضوعاً امکان پذیر نباشد، باید معادل خسارت وارد شده را جبران نماید. دیوان در ادامه معتقد است که چون برخی از تعهدات و مقرراتی که اسرائیل آنها را نقض کرده است، از انواع قواعد آمره می باشد، تمامی دولتها و کشورها محق هستند که نسبت به چنین نقضهایی نگران باشند.^{۱۷} تمامی دولتها و کشورها موظف هستند که حق مردم فلسطین بر تعیین سرنوشت خود را محترم بشمارند و بر این اساس، تمامی کشورها متعهد هستند که وضعیت حقوقی ناشی از ساخت دیوار در مناطق اشغالی را به رسمیت نشناسند. کشورها همچنین متعهد هستند که هیچ گونه کمک و مساعدتی را در حفظ وضعیت ناشی از ساخت دیوار مبذول نکنند و مطابق منشور ملل متحد و حقوق بین الملل تلاش نمایند که موانع تحقق حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین از بین بروند و پایان یابند. علاوه بر این، تمامی کشورهای عضو کنوانسیون چهارم ژنو متعهد هستند که اطمینان یابند که اسرائیل به اجرای تعهدات بشردوستانه خود مندرج در کنوانسیون وفادار بماند و آن مقررات را رعایت نماید.

نتیجه گیری

صدر رأی مشورتی دیوان که علاوه بر پرداختن به موضوع ابعاد حقوقی ساخت دیوار، به نحو جامعی به دیگر مسایل موضوع فلسطین پرداخته است، از نظر حقوقی و سیاسی بسیار حایز اهمیت است و بر این اساس نیز به طور وسیعی مورد استقبال دولتهای جهان، سازمان ملل متحد و سازمانهای بین المللی قرار گرفت. مجمع عمومی سازمان ملل پس از صدور رأی مشورتی، با صدور قطعنامه ای، ضمن تقدیر و تشکر از صدور رأی، از اسرائیل خواسته است که مفاد رأی را به اجرا بگذارد. این قطعنامه با ۱۵۰ رأی مثبت، ۶ رأی منفی (اسرائیل، آمریکا، استرالیا، جزایر میکرونزی، جزایر مارشال و توالو) و ۵ رأی ممتنع به تصویب رسید. البته غیرقابل پیش بینی نیست که اسرائیل با رد این رأی مشورتی بر موضع گذشته خود مبنی بر عدم صلاحیت مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای درخواست چنین رأی مشورتی و صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری بر صدور چنین رأیی تأکید بورزد. اما بی شک با این

رأی مشورتی، بسیاری از اقدامات اسرائیل نه تنها از نظر سیاسی، بلکه بیش از پیش از نظر حقوقی محکوم شده است و حمایت وسیع جامعه بین‌المللی از قطعنامه‌ای که توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شده است، نشان می‌دهد که رژیم اسرائیل بیش از پیش در جامعه بین‌المللی به انزوای کامل کشیده شده است. با توجه به مفاد این رأی مشورتی، حتی اگر اسرائیل در آینده، از ساخت دیوار هم صرف نظر نماید، همچنان متعهد خواهد بود که حقوق نقض شده مردم فلسطین در جنبه‌های مختلف را اعاده و باز پرداخت نماید. حمایت قاطع مجمع عمومی سازمان ملل متحد از این رأی مشورتی حتی از سوی کشورهایی که در مرحله نخست تصمیم مجمع، با درخواست رأی مشورتی موافق نبوده‌اند بار دیگر حمایت قاطع جامعه جهانی از تأمین حقوق به حق مردم فلسطین را مورد تأکید قرار داده است. □

پاورقیها:

۱. بررسیهای نخستین نشان می دهند که حدود ۱۵۷/۸۰۰ هکتار یا حدود ۱۱,۵ درصد از سرزمینهای کرانه باختری (بدون احتساب بیت المقدس شرقی) بین دیوار و منطقه خط سبز قرار می گیرد. برای بررسی بیشتر از جمله مراجعه کنید به:

“Hummanitarian Implications of Latest Wall Projections,” *Office of the Coordinator of Humanitarian Affairs*, (OCHA), 8 July 2004.

۲. مراجعه کنید به:

“West Bank Wall,” *Office of the Coordinator of Humanitarian Affairs in the Occupied Palestine*, October 2003.

۳. برای گزارش تفصیلی پیرامون موضوع از جمله مراجعه کنید به:

“Reports on the West Bank Barrier,” *United Nations Relief and Works Agency for Palestine Refugees in the Near East*, (UNRWA), Summer Report, 2004.

۴. برای بررسیهای بیشتر مراجعه کنید به:

“Impact on the First Phase of the Barrier on the Qalqiliya,” Tulkaram and Jenin Districts, (UNRWA), *Special Report*, 2004.

5. Press Release and Report of the International Committee of the Red Cross, Geneva, 18 February 2004.

6. SG/SM/8, New York, 2 October 2003.

۷. قطعنامه پیشنهادی به شورای امنیت سازمان ملل متحد که توسط برخی از کشورهای عضو از جمله پاکستان و مالزی به آن شور ارایه شده بوده، در بند دوم خود اعلام می کرد که ساخت دیوار در سرزمینهای اشغالی از نظر حقوق بین الملل غیرقانونی است و ساخت آن باید متوقف شود و شرایط به وضعیت گذشته خود باز گردد. این متن پیش نویس که توسط آمریکا و تو گردید، با شماره زیر قابل دسترسی است. S/2003/980, 14 October 2003

8. A/RES/ES-10/13, 27 October 2003, Illegal Israeli Action in Occupied Palestine Authority, (Tenth Emergency Special Session)

۹. قطعنامه مجمع عمومی به شماره: A/ES-10/248, 24 Nov 2003

۱۰. قطعنامه مجمع عمومی به شماره: A/RES/ES-10/14, 8 December 2003

۱۱. بیانیه دیوان به شماره: ICJ/611, Press Release, 22 January 2004

۱۲. بیانیه دیوان به شماره: ICJ/612, Press Release, 25 February 2004

۱۳. متن کامل این رأی مشورتی تحت این عنوان و این شماره قابل دسترسی است:

“Legal Consequences of the Construction of a wall in the Occupied Palestinian Territory,” General List No. 131, 9 July 2004.

۱۴. خلاصه متن کتبی اسرائیل که به دیوان ارایه شده است، در سایت زیر قابل دسترسی است:

domino.un.org/UNIS PAL. NSF

۱۵. مراجعه کنید به رأی مشورتی دیوان تحت عنوان:

“Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons,” ICJ Reports, 1996 (I), P. 234, Para. 13.

۱۶. همان منبع یا در رأی مشورتی مربوط به مشروعیت تهدید به کاربرد سلاحهای هسته‌ای، دیوان اعلام کرده است که این مجمع عمومی سازمان ملل است که باید در مورد مفید بودن رأی مشورتی براساس نیازهای خود تصمیم بگیرد.

۱۷. دیوان در رأی قضایی خود درباره Barcelona Traction نیز این اصل را تثبیت نموده است مراجعه کنید به: Barcelona Traction, Light and Power Company, Judgement, ICJ, Reports 1970, p. 32, para. 33.

۱۸. برای مطالعه متن قطعنامه مراجعه کنید به سند: A/ES-10/L.18, 20 July 2004